

مهارت‌های پاسخگویی و بیان احکام شرعی

دوره تخصصی ویژه طلاب و مبلغین احکام شرعی

تهیه و جمع آوری : درفشان، برسلانی

پاییز ۹۶

فهرست مطالب:

۴	مقدمه
۴	ضرورت پرداختن به احکام
۴	مسئولیت آموزش احکام:
۵	ارزش و پاداش آموزش احکام:
۵	نیازمندی های پاسخگو و بیان کننده احکام
۷	راهکارهایی برای مبارزه با فراموشی احکام
۹	مهارتهای پاسخگویی
۹	راههای تشویق مردم به پرسشگری
۹	۱- ایجاد سوال به روش عملی
۹	۲- بیان مسائل جالب و تازه:
۱۰	۳- بیان واقعیات
۱۰	۴- ایجاد احساس نیاز
۱۰	۵- برگزاری احکام عملی
۱۰	۶- تشویق کسانی که سوالات خوبی میپرسند
۱۰	۷- برطرف کردن موانع پرسش (چرا مردم نمی پرسند؟)
۱۱	قبل از پاسخ دادن باید بدانیم
۱۷	الف: بایدها در پاسخگویی
۱۸	ب: نبایدها در پاسخگویی
۱۹	مهارتهای بیان احکام
۱۹	مراحل آمادگی جهت بیان احکام
۱۹	۱- انتخاب بحث
۲۰	۲- مطالعه دقیق و کامل
۲۰	۳- انتخاب مسائلی در بحث انتخاب شده
۲۱	۴- تنظیم و دسته بندی مسائل
۲۳	روشهای بیان احکام
۲۳	روش توضیحی
۲۴	روش استفاده از آیات و روایات الاحکام
۲۷	روش نظارت و بیان نقائص
۲۷	روش عملی
۲۷	روش مقایسه ای (تفاوتها و مشترکات)
۲۷	روش غیر مستقیم

۲۸	روش قاعده ای
۲۸	بایدها در بیان احکام
۲۸	۱- ساده گویی:
۲۹	۲- تبشیر:
۲۹	۳- استفاده از مثال یا تطبیق حکم بر مصداق:
۳۰	۴- استفاده از ابزار جهت آموزش دیداری
۳۰	۵- سؤال از حاضران:
۳۰	۶- پاسخ به سؤالات حاضران
۳۰	۷- رعایت شأن مراجع تقلید و بزرگان
۳۰	۸- بیان خلاصه بحث در آغاز و پایان بحث
۳۱	۹- جمع بندی فتاوی تا حد ممکن
۳۱	۱۰- ورود به موضوعات جنجالی با احتیاط
۳۱	۱۱- بیان آسانیه‌های احکام
۳۲	۱۲- مبارزه با سخت گیریهای بیهوده و افکار عوامانه
۳۲	نبایدها
۳۲	۱- پرهیز از بیان مسائل، به گونه ای که موجب زیادی شک و وسوسه شود
۳۲	۲- پرهیز از بیان استدلالات فقهی:
۳۳	۳- پرهیز از بیان فلسفه احکام
۳۳	۴- بد آموزی نداشته باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بخش عمده ای از معارف دینی، قوانین عملی است که «احکام» یا «فقه» نامیده می شود. اگر ما می خواهیم مبلغ دین باشیم، باید بخشی از وقتمان، صرف تبلیغ و ابلاغ احکام به مردم باشد؛ همان طور که وظیفه ما حوزویان را آیه «نفر» مشخص می کند:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.^۱

طبق این آیه وظیفه اول، تفقه و وظیفه دوم، ابلاغ و انذار می باشد که دو وظیفه اصلی حوزه های علمیه است.

الحمد لله حوزه های علمیه عنایت ویژه ای به تعمق و فهم دقیق احکام و فقه اصطلاحی دارد و بیشترین انرژی خود را صرف همین بخش می کنند. اگر شما تاریخ حوزه های علمیه را مطالعه کنید، می بینید زنده ترین دروس در حوزه های علمیه، دروس فقه بوده است و آثار بسیار ارزشمندی نیز در این زمینه به یادگار مانده است.

اما در بخش دوم یعنی ابلاغ و رساندن معارف دینی و به خصوص فقه و احکام دینی به دیگران نیز، آیا موفق هستیم یا نه؟

باید گفت منظور که باید و شاید در این عرصه موفق نبوده ایم؛ یعنی کم کار می شود؛ زیرا

اولاً، عنایت به این مسئله بسیار کم است. و ثانياً، شیوه را هم خوب نمی دانیم. و ثالثاً اگر بدانیم خوب به کار نمی گیریم.

ضرورت پرداختن به احکام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: لَئِنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا.^۲

مسئولیت آموزش احکام:

همانطور که در مقدمه نیز گفته شد بر حوزویان به مقدار کفایت واجب است تا در عرصه انتقال مسائل شرعی از کتب فقهی به عامه مردم کوشش کنند. جدای از این مطلب در احکام شرعی یک وظیفه کلی بر گردن همه مکلفین قرار داده شده است و آن ارشاد جاهل است که به طور خلاصه به آن می پردازیم:

- جهل به احکام شرعیه: اگر کسی بر اثر جهل به حکم خلاف کند، اعلام و بیان حکم شرعا واجب است.^۱

^۱. توبه ۱۲۲

^۲. الحیاه (ترجمه ی احمد آرام)، ج ۱، ص ۶۹۲

- اگر فاعل، به موضوع جاهل باشد، نه انکار او و نه برطرف کردن جهل او واجب نیست؛ مثل اینکه نماز را از روی غفلت یا فراموشی ترک کند یا مثلاً لباسش نجس است و نمی داند. ولی اگر مطلب از چیزهای با اهمیت باشد و مولا مطلقاً به فعل یا ترک آن رضایت نداشته باشد، واجب است آن را برپا دارد و او را امر یا نهی کند؛ مانند قتل نفس محترمه.^۲

ارزش و پاداش آموزش احکام:

حدیث تبشیری: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: من خرج من بيته ليلتمس بابا من العلم لينتفع به و يعلمه غيره كتب الله له بكل خطوه عباده الف سنه صيامها و قيامها و حفته الملائكة بأجنتها و صلى عليه طيور السماء و حيتان البحر و دواب البر و أنزله الله منزله سبعين صديقاً و كان خيراً له من أن كانت الدنيا كلها له و جعلها في الآخرة.^۳

حدیث اندازی: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: مررت في ليله المعراج بقوم يقرضون أشفاههم بالمقاريض فقلت يا جبرائيل من هؤلاء؟ فقال جبرائيل: العلماء و الخطباء من أمتك الذين يقدرون على ابلاغ الاحكام و الطاعات على امتك فساهموا.^۴

فردای قیامت ما شریک جرم خیلی از گناهان هستیم که نمی دانند و مشکل شرعی رخ می دهد.

نیازمندی های پاسخگو و بیان کننده احکام

مثل تمام علوم و فنون و مهارت‌ها مهمترین توانمندی در یک استاد پاسخگو و بیان کننده احکام بنیه علمی اوست که استاد در این مسیر به طور خاص و ویژه به کسب موارد زیر نیازمند است:

۱- آشنایی با متون فقهی:

متون فقهی در یک تقسیم بندی کلی سه دسته اند (استدلالی، نیمه استدلالی و غیر استدلالی) که ما در این مقام غالباً به متون غیر استدلالی نیاز داریم یعنی صرفاً بیان فتاوی که می توان در این مورد به رساله های مراجع تقلید (عربی^۵ و فارسی) و استفتائات (در کتب و جزوات و در فضای مجازی) و تک نگاری های فقهی (مسائل جدید، جناب محمودی) اشاره کرد.

^۱ سیدروح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب امر به معروف، القول فی شرایط وجوبهما، م ۳.

^۲ همان.

^۳ بحار ج ۱ ص ۱۷۷.

^۴ لعالی الاخبار ج ۲ ص ۲۸۵.

^۵ عروه الوثقی محشی (مشهور مراجع مخصوصاً آیت الله مکارم)، تحریر الوسیله امام خمینی ره، منهاج الصالحین آیات عظام خوبی، سیستانی، وحید، صراط النجاة آیت الله بهجت، جامع المسائل آیت الله فاضل و ...

آدرس کانال تلگرامی بیان احکام شرعی در حرم مطهر رضوی هر روز محتوای مناسبی برای بیان کننده های احکام بارگذاری می کند: @ahkameharamerazavi

البته مناسب است در همین جا اشاره ای نیز به کتب روشی بشود که در این کتب نویسنده در صدد بیان پاره ای از احکام به روشهای جذاب و جدید بر آمده است که می توان به کتابهای حجج اسلام آقای مشفق پور، مرحوم صاحب الزمانی (احکام عددیه) کتابهای آقای وحیدی، فلاح زاده و اکبری اشاره کرد.

۲- آشنایی با روش مطالعه متون:

مهمترین نکته ای که در این بخش قابل طرح است تسلط استاد است به منابع، که این تسلط با مراجعه زیاد حاصل می شود و می تواند مسائل و فروع مختلف فقهی را به راحتی و در زمانی کوتاه از منابع استخراج کند. یکی از پیچیدگی های رساله ها همین پیدا کردن مسائل شرعی می باشد که خود مهارت لازم دارد و نکته دوم برداشت صحیح از متن است.

۳- حفظ و به خاطر سپاری بعضی از فتاوی:

بهترین راه برای فراموش نکردن فتاوی در معرض پرسش و پاسخ بودن است و اینکه بعد از پاسخ دادن صحیح یادداشت کند و همچنین بایگانی کند. (حفظ در ذهن و در جزوه) لاقلاً بدانیم کدام مسائل اختلافی است.

۴- آشنایی با نکات و ظرائف احکام و موارد مورد ابتلا.

۵- شناخت اجمالی: ۱- موضوعات شرعی - عرفی و ۲- مصادیق خارجی مسائل شرعی

الف) موضوعات: همه فقها پذیرفته اند که مرجع در شناخت موضوعات شرعی مثل صلوه، شارع مقدس می باشد. اما مرجع شناخت موضوعات عرفی، عرف و عادت می باشد که البته اشکال ندارد که فقیه هم ورود کند. مانند غنا. علامه حلی درباره معنای یک موضوع می نویسد: موضوعات عرفی ای که در شریعت تقیید نشده است، برای شناخت آن باید به عرف و عادت رجوع نمود مثل قبض در هبه.

ب) مصادیق: البته بدون تردید تطبیق موضوعات بر مصادیق خارجی آن به عهده مکلف بوده و تقلید در آنها جایز نمی باشد. (مثل اینکه کدام ماهی فلس دارد و کدام ندارد؟) و چنانچه فقهی در این ارتباط نظری ارائه دهد و نظر مقلد خلاف نظر او باشد، اطاعت از آن واجب نخواهد بود.

۶- آشنایی با اصطلاحات:

الف) پزشکی مثل: وازکتومی، کورتاژ، آیودی، پرپود، بازار یابی شبکه ای

ب) فقهی: احتیاط واجب، فتوا، احتیاط واجب غیر قابل رجوع

ج) عرفی و شرعی: چاشت، زوال، گرگ و میش و ...

د) متفرقه: گلد کوئیست، سرقفلی، رایت، پاسور، بولینگ، بیلیارد

۷- قدرت تطبیق حکم شرعی بر مصادیق (مسافری که تاکسی سوار می شود با راننده قرارداد اجاره بسته است یا
جماله)

۸- آشنایی با شیوه های تنظیم و دسته بندی مطالب (خواهد آمد)

- ۹- آشنایی با روشهای بیان احکام (خواهد آمد)
- ۱۰- آشنایی اجمالی با فقه سایر فرق و مذاهب (اهل کتاب، علی‌اللهی، اهل حق، ارمنی و ...)
- ۱۱- آشنایی اجمالی با فلسفه احکام و برخی شبهات که مربوط به احکام است: مثل دلیل اختلاف فتاوی، مستند خمس در قرآن، و ...
- ۱۲- آشنایی اجمالی به فنون مشاوره و داشتن شماره مراکز مشاوره و افراد مطمئن در زمینه های مختلف.
- ۱۳- تسلط بر آیات و روایات (مخصوصا آیات و روایات فقهی)
- ۱۴- تقویت اطلاعات عمومی (در حد نیاز)
- ۱۵- همانطور که در جمع محتوا و فتاوی دقت و زحمت کشیده می شود باید فنون بیان را نیز آموزش ببیند و تمرین کند.
- ۱۶- تعهد عملی خود پاسخگو و یا بیان کننده به احکام و مسائل دینی.

راهکارهایی برای مبارزه با فراموشی احکام

- ۱- آشنایی با مبانی مراجع تقلید:
- مناسب است در اینجا برای واضح شدن این راهکار مصداقا به برخی از مبانی مراجع تقلید در بعضی از موضوعات فقهی اشاره شود:
- الف) خمس فوائد کسبی و غیر کسبی:
۱. اگر از کار کردن نباشد خمس ندارد اگر چه احتیاط مستحب این است که خمس آن را بدهد. امام خمینی ره، امام خامنه‌ای.^۱
 ۲. هر منفعتی که به انسان میرسد به آن خمس تعلق میگیرد خواه از راه کار کردن باشد یا غیراز کار کردن مثل هدیه و جایزه و.. سیستانی^۲
 ۳. بنابر احتیاط واجب هر فائده ای خمس دارد اگر چه از راه کسب نباشد مثل هدیه و هبه و جایزه و مالی که به وصیت به او بدهند. مکارم،^۳
- ب) عبادات کثیر السفر:
۱. بعضی فقها مثل حضرت امام خمینی فقط تحقق عنوان «مَنْ شَغَلَهُ السَّفَرُ»^۴ (کسی که شغلش سفر است؛ مثل راننده) یا «مَنْ يَدُورُ فِي شُغْلِهِ» (کسی که لازمه شغلش دوره‌گردی است) را موضوع حکم شرعی کامل بودن نماز در سفر قرار داده‌اند.

۱. رساله مراجع مساله ۱۷۵۳،

۲. السایع، سیستانی منهاج ۱/ ۳۹۲ السایع.

۳. مکارم استفتانات ج ۱ س ۳۰۵

۴. به عبارتی هرکسی که شغل او بدون سفر، امکان تحقق خارجی ندارد.

۲. بعضی دیگر از فقها مثل امام خامنه ای موضوع حکم را تحقق عنوان «مَنْ شُغِلَ السَّفَرُ» یا «مَنْ شُغِلَ فِي السَّفَرِ» (کسی که شغلش در سفر است و به تعبیری سفر مقدمه شغل او محسوب می‌شود؛ مثل معلم و کارمند که برای شغلشان مرتب به سفر می‌روند) می‌دانند.

۳. بعضی از فقها مثل آیت‌الله سیستانی تحقق یکی از دو عنوان «مَنْ شُغِلَ السَّفَرُ» یا «كثِير السَّفَرِ» (کسی که عرفاً بسیار به سفر می‌رود) را موضوع حکم شرعی می‌دانند و «مَنْ شُغِلَ فِي السَّفَرِ» چنانچه از مصادیق «كثِير السَّفَرِ» محسوب شود، نمازش کامل است.

نکته: این نکته مخفی نماند که مواردی در فتاوی فقها وجود دارد که با مبنای ایشان تطبیق ندارد لذا نمی‌توان به عنوان حکم قطعی از این مبانی بهره برد و نیاز به تسلط دارد.

۲- آشنایی با قواعد فقهی و اصولی که محصول احادیث و اجتهاد مجتهدین است، که به عنوان نمونه به برخی اشاره می‌شود:

- از جمله قواعد مشهور فقهی که فقیهان در مورد ضمان به آن تمسک جسته‌اند، قاعدة اتلاف است. مفاد قاعدة اتلاف در «من أتلف مال الغير فهو له ضامن» مندرج است.^۱
- یکی دیگر از قواعد مهم حقوق اسلامی «قاعدة اصالة الصحة» است.

نکته: البته مخفی نماند که اینطور نیست که این قواعد برای بیان حکم شرعی کاربرد مستقیم داشته باشد بلکه می‌تواند برای پاسخگو مظنه ای برای فتوای فقیه ایجاد کند و یک پاسخگو باید بداند که اجرای این قواعد در مسائل فقهی همیشه کلیت ندارد و نیز در بعضی از این قواعد بین فقها اختلاف نظر است مثل: قاعدة الشرط الفاسد لیس بمفسد للعقد.

- ۳- تلاش و مرور با برنامه در به خاطر سپردن فتاوی مهم و حداقل فتاوی مرجع خود
- ۴- جواب سوالاتمان را خودمان پیدا کنیم، چرا که خود دیدن، آن هم با جستجو در به خاطر سپاری بسیار موثر است.
- ۵- توضیح و تبیین کامل مسئله و دیدن فروعات آن خود می‌تواند لاقول در به خاطر سپاری کلیات آن باب فقهی شخص را بیمه کند.
- ۶- رمز گذاری^۲ (نماز لیلۃ الدفن: رکعت اول یک آیه الکرسی و رکعت دوم ۱۰ بار سوره قدر)
- ۷- به یاد سپاری به روش دقت در فرقهها بین موضوعات فقهی: (فرقههای نماز مستحب و واجب، جماعت و فرادا، نماز زن و مرد، وضو و غسل، نماز و روزه،

۱. قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد)، ج ۱، ص: ۴

۲. در این جا کلمه رمز را در هر قسمت می‌آوریم و شما باید با توجه به هر حرف آن، کلمه ای از احکام مورد نظر را به دست بیاورید.

۱. ارکان نماز - «قتتس»

۲. نمازهای واجب - «یا منطق»

۳. اقسام وضو - «نجات»

۴. شرایط وضو - «آب وضو پاک باشد»

۵. مقدمات نماز - «قم یوطا»

- ۸- یادگیری استثنائات: (موارد جواز روزه خواری ، موارد سقوط نماز ، چیزهایی که خمس ندارد، جواز غیبت، تاخیر نماز از اول وقت و ...)
- ۹- یادگیری شرایط خاص هر حکم : (شرایط جواز تیمم، شرایط صحت نذر ، شرایط حرمت موسیقی، شرایط ما یصح السجود علیه، شرایط وجوب خمس وزکات و ...)
- ۱۰- استفاده از مثال و نکات قابل توجه برای به خاطر سپاری بهتر.
- ۱۱- خود بیان کردن موجب به خاطر سپاری است. (مخصوصا تدریس)
- ۱۲- برای بعضی از مسائل فقهی باید شخص خودش را در گود عمل وارد کند تا فراموش نکند. مثل سفر حج
- ۱۳- دقت در توصیه های معصومین در مواردی که موجب کمی حافظه می شود. (مثل خواندن سنگ قبر) و همچنین دقت در تغذیه. (طب اسلامی)

مهارت‌های پاسخگویی

راه‌های تشویق مردم به پرسشگری

۱- ایجاد سوال به روش عملی

* امام جماعتی تسبیحات اربعه را یکی گفت تا سوال پیش آید.

* آیت الله مکارم: در اذان واقامه شهادت به ولایت امیر المومنین را یک بار گفتند.

۲- بیان مسائل جالب و تازه:

* در دعای کمیل خواندن (افمن کان مومنا کمن کان فاسقا لا یستون) بر معذورحرام است. (مرحومین: امام، بهجت، فاضل رحمه الله علیهم)

* عطر زدن برای روزه دار مستحب است نه مکروه.^۱

* دعا فارسی در قنوت جایز است (مرحوم امام، مقام معظم رهبری، آیت الله سیستانی)^۲

* اقامه در حال نشسته باطل است. (آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم)

* گاهی اوقات غیبت واجب است. (مثل نصح مستشیر)

* حمل الطفل و ضمّه و إرضاعه عند بکائه جائز.^۱

^۱ .تحریر الوسیله، مکروهات صائم

^۲ .رساله م ۹۲۲، منهاج ج ۶۶۸م

۳- بیان واقعیات

از روی مصلحت کاذب بعضی چیزها حذف نشوند: ربای حلال، راه های فرار از خمس

۴- ایجاد احساس نیاز

*اگر به نوه دختری با شرایط شیر بدهد دخترش حرام میشود. (مشهور)

*عقد در عده موجب حرمت ابدی میشود. (مشهور)

۵- برگزاری احکام عملی

ثمرات برگزاری جلسات عملی احکام:

*خیلی سوال ایجاد میشود.

*بسیار شاد و جذاب است.

*خیلی از اشتباهات معلوم میشود.

*ماندگاری بیشتری در ذهن دارد.

۶- تشویق کسانی که سوالات خوبی میپرسند

*پرسید شاید سوال شما سوال دیگران هم باشد.

*لا حياء في الدين / الحياء حياء العقل و حياء الحماق .

۷- برطرف کردن موانع پرسش (چرا مردم نمی پرسند؟)

برای شناخت و برطرف کردن موانع پرسشگری اول باید نسبت به این نکته فکر کرد که چرا مردم نمیپرسند؟ برخی از عوامل احتمالی نپرسیدن مردم را در این مجال بیان می کنیم:

۱- فضای غیر قابل اعتماد و عدم صمیمیت با کارشناس (روحانی)

۲- جهل مرکب

۳- عوامل فیزیکی اطراف در حواس پرتی (مثل گرما و خستگی، تنبلی و سستی ...)

۴- کمبود پاسخگوی قوی

۵- ترس از عوامل مختلف مانند: استهزاء، نکند اعمال قبلی باطل باشد، نکند پول بگیرد، (الناس اعداء ما جهلوا)

۶- خجالت: لا حياء في الدين، الحياء حياء العقل و حياء الحماق

۱. عروه الوثقی، مبطلات صلاة .

۷- بدبینی به روحانیت (ناراحتی از یک روحانی و تسری آن به سایرین)

۸- عدم دسترسی به روحانی

۹- محرومیت فرهنگی و محیط فاسد

۱۰- شبهات (اصلا چرا باید نماز بخوانیم؟)

۱۱- تکبر

۱۲- ناامیدی، ما که جهنمی هستیم

۱۳- بلد نیستند سوال کنند.

قبل از پاسخ دادن باید بدانیم

۱- نام مرجع تقلید مراجعه کننده. (سعی کنیم حتی در سوالات اتفاقی نیز با درخواست بیان نام مرجع مردم را به سمت درک ضرورت تقلید سوق دهیم.)

۲- پردازش سوال: یکی از اصول مهم در پاسخگویی این است که ما قبل از اینکه شروع به پاسخ کنیم اول سوال را کاملا دقیق و صحیح پردازش کنیم. یعنی کارشناس ابهامات احتمالی سؤال را با طرح سؤالات دیگر از مخاطب، برطرف کند، تا دامنه و موضوع اصلی سؤال مخاطب واضح و روشن شود؛ زیرا غالبا سوالات مخاطبان در زمینه ی مسائل شرعی دارای فرضها و صور مختلفی است که صور مختلفش نیز دارای احکام مختلفی است؛ به همین دلیل ضرورت پردازش دقیق سوال شرعی، به این جهت است که تعیین صحیح تکلیف شرعی مخاطب در مرحله ی نهایی غالبا متوقف بر همین پردازش صحیح و دقیق سؤال است.

در کیفیت پردازش علاوه بر اصل پردازش، **دقیق بودن و سیر پردازش** نیز مدنظر است؛ لذا در پردازش، کارشناس پاسخگو باید:

- در مرحله ی اول: **ضرورت و عدم ضرورت پردازش** را نسبت به سؤال تشخیص دهد.
- در مرحله ی دوم: **با نوع پردازش** سؤال شرعی آشنایی داشته باشد.
- در مرحله ی سوم: صحیح پردازش کند، یعنی پردازشش **خارج از موضوع مورد سؤال** نباشد.
- در مرحله ی چهارم: نسبت به کلیت سؤال با **سیر منطقی پردازش** و کیفیت آن آشنایی داشته باشد.

تبیین تفصیلی مراحل پردازش:

مرحله ی اول:

الف) ابتدا کارشناس به این نکته دقت کند: که آیا سؤال مخاطب نیاز به پردازش دارد؟ زیراگاهی متن سؤال یا بسیار جزئی است ؛ یا مخاطب تمام جزئیات و قیود را در سؤالش بیان می کند؛ که باعث می گردد سؤال نیاز به پردازش نداشته باشد؛ مثلا ؛ مکلفی می پرسد ، لباسم با آبی که بر زمین ریخته بود؛ اصابت کرد و مرطوب شد ، نمی دانم این آب پاک بوده یانه ؟ آیا نماز خواندن با این لباس که شک در نجس بودن آن دارم ، اشکال دارد؟ **در این صورت متن سؤال جزئی و واضح است و نیاز به پردازش ندارد.**

مرحله ی دوم :

بعد از اینکه کارشناس ، ضرورت پردازش را نسبت به سؤال تشخیص داد ، باید با نوع پردازش سؤال شرعی؛ آشنایی کافی داشته باشد ؛ یعنی ؛ در هنگام پردازش و رفع ابهام از سؤال، از مخاطب، کمک گرفته شود نه اینکه صور مختلف سوال توسط پاسخ گو طرح وجواب داده شود؛ که اینگونه پاسخ گویی ضعف کارشناس را در ندانستن چگونگی پردازش سؤال شرعی مشخص می کند؛ زیرا کارشناس موظف است وظیفه نهایی مکلف را از طریق پردازش دقیق موضوع سؤال، با کمک از مخاطب مشخص کند ، نه اینکه صورتهای مختلف سوال را مطرح کند و پاسخ دهد ؛ زیرا مخاطب در نهایت سردرگم میشود و باید بین صورتهای مختلف سؤال و جواب، موردی را که شامل وضعیت خودش می شود ، جستجو نماید و آن را بر مورد و مصداق خود تطبیق دهد، این حالت برای مخاطب از قشر عام بسیار دشوار است.

مثلا: اگر مخاطبی پرسد من مقلد آقای سیستانی هستم و چندروز بوسیله استمناء روزه ام باطل شده آیا باید كفاره بدهم چقدر؟ اگر کارشناس صورت سؤال فوق را بجای آنکه با کمک مخاطب پردازش کند تا به جزئیات دست پیدا کند ؛ صورتها و ابعاد سؤال را مطرح و پاسخ دهد مثلا در پاسخ به سؤال فوق بگوید: **اگر سهوا انجام دادید و حواستان نبوده که روزه اید حکمش مثلا این است.....اگر از روی ناچاری واضطرار یا اکراه انجام دادید ، حکمش این استاما اگر نمی دانستید که استمناء روزه رباطل می کند و جاهل قاصر بودید حکمش این است، اگر جاهل مقصر غیر مردد بودید حکمش این است؛ اگر جاهل مقصر مردد بودید حکمش این است؛ اگر نمی دانستید استمناء روزه را باطل نمی کند ولی می دانستید حرام است حکمش مثلا این است**

این گونه پردازش ناشی از ضعف کارشناس در ندانستن چگونگی پردازش یک سؤال شرعی است ؛ زیرا ابهامات سؤال مخاطب باید با طرح سؤالات دیگر ابتدا برطرف شود و سپس در نهایت یک پاسخ با توجه به همان صورت جزئی سؤال و وضعیت مکلف داده شود.

مرحله ی سوم :

بعد از آشنایی با نوع پردازش سؤال شرعی، کارشناس باید در رابطه با کیفیت پردازش به این نکته دقت کند؛ که پردازش دقیقا مرتبط و متناسب با موضوع مورد سؤال مخاطب باشد؛ یعنی خارج از موضوع سؤال مخاطب نباشد؛

لذا رفع ابهام از سوال توسط کارشناس در حیطه و موضوع سؤال مخاطب باشد نه خارج از آن. مثلا اگر کسی خانمی سوال کند من از شهرستان آمدم به زیارت امام رضا علیه السلام نمازم شکسته است یا کامل باید از قصد ده روز داشتن یا نداشتن، کثیر السفر بودن یا نبودن، مرجع تقلیدش سوال کرد، نه اینکه خارج از فایده شرعی سوال کند مثل اینکه بپرسد از کدام شهر آمده اید؟ یا اینکه فروزی که بسیار بسیار بعید است را بیان کند که آیا شوهرت راضی به این سفر هست یا نه؟ این پردازشها صحیح نیست.

گاهی صحت و دقیق بودن پردازش سؤال متوقف بر پرسش از نام مرجع است؛ یعنی پرسش از نام مرجع در سیر و صحت و دقت پردازش سؤال مؤثر است؛ مثلا اگر کسی بپرسد من هر ماه برای تفریح و گردش به سفرهای مختلفی می روم آیا نمازم در سفرها تفریحی شکسته است یا کامل؟ باید کارشناس از مخاطب بپرسد که مقلد چه مرجعی است؟ اگر مخاطب بگوید آیه الله سیستانی کارشناس باید تعداد روزهای این فرد در ماه را بررسی کند و از مخاطب بپرسد برای چه مدتی قصد اینگونه سفر را دارد و وضعیت این شخص را تحت احکام کثیر السفر آیه الله سیستانی بررسی کند.

اما اگر مکلف بگوید مقلد رهبری هستم، نیاز به پردازش به کیفیت فوق نیست زیرا در سفر به جهت تفریح از نظر این مرجع محترم نماز شکسته است لذا در صورتی که مخاطب مقلد رهبری است؛ لازم است پرسیده شود مدت اقامت فرد آیا در مکان مشخصی است؟ و مقدار اقامت ده روز است یا کمتر از ده روز؟ و ...

مثلا مخاطبی بپرسد؛ من شنیده ام وضو به نیت نماز قبل از وقت نماز؛ نادرست است؛ آیا این مطلب صحیح است؟

کارشناس بدون پرسش از نام مرجع؛ در پردازش سؤال فوق بگوید:

منظور شما قبل از وقت نماز چه زمانی است؟

مثلا مخاطب بگوید منظورم در کل قبل از وقت نماز و اذان است. بعد کارشناس بگوید قبل از اذان به چه نیتی وضو می گیرید؟

مخاطب بگوید به نیت نماز وضو می گیرم؛ بعد اگر کارشناس بگوید اگر کمی از قبل اذان به قصد نماز وضو بگیرید؛ اشکال ندارد.

بعد مخاطب بگوید اگر مثلاً صبح ساعت هشت، وضو بگیرم و با آن نماز ظهر بخوانم، نمازم باطل است؟

بعد کارشناس بپرسد صبح به چه نیتی وضو می گیرید؟ یعنی نیت نماز ظهر می کنید؟

مخاطب بگوید: بله؛ سپس **کارشناس بگوید** اگر فاصله زیاد باشد بین وقت نماز و اذان، وضو نادرست است

فارغ از صحت و عدم صحت پاسخ، پردازش کارشناس از این جهت محل اشکال و ناصحیح است که از نام مرجع مخاطب نپرسید؛ زیرا پرسش از نام مرجع قبل از پردازش سؤال گاهی موضوعیت دارد و سیر پردازش را تغییر می دهد.

مثلا در سؤال فوق اگر کارشناس از نام مرجع مخاطب می پرسید و مخاطب مثلا می فرمود که مرجع آیه الله سیستانی است، اصلا نیازی به کیفیت پردازش بصورت فوق نبود زیرا آیه الله سیستانی وضو قبل از وقت نماز و به نیت نماز حتی با فاصله‌ی زیاد را، صحیح می دانند.^۱ اما مراجع دیگر مثل رهبری می فرمایند وضو به نیت نماز؛ قبل از وقت، اگر نزدیک داخل شدن وقت است اشکال ندارد و ملاک صدق عرفی نزدیکی وقت نماز است و اگر در آن وقت برای نماز وضو گرفته شود اشکال ندارد.^۲ مگر اینکه فرد به قصد طهارت وضو بگیرد، هر زمان به قصد طهارت وضو بگیرد با آن وضو می تواند نماز بخواند. لذا اگر مرجع مخاطب مثلا مقام معظم رهبری بودند؛ نیاز به پردازش به کیفیت فوق بود.

مرحله ی چهارم:

نکته ای که پاسخگوی محترم باید دقت نمایند این است که؛ پردازش نسبت به موضوع و سؤال، باید دارای سیر منطقی باشد یعنی؛ سیر پردازش سوال باید از مطالب کلی تر شروع شود و چنانچه وظیفه مخاطب روشن و مشخص نشود وارد مطالب جزئی تر بشود؛ مثلا اگر کسی که مقلد رهبری است بپرسد نمازم در سفر کامل است یا شکسته؟ پاسخگو باید از مخاطب سوال کند علت سفر شما چیست؟ اگر در جواب سوال بگوید برای تفریح می روم یا زیارت ... پاسخ روشن است و نیازی به طرح سوالهای دیگر نیست ولی اگر مخاطب بگوید شغل است؟ دوباره سوال شود چه مقدار از سال را تصمیم دارید که برای شغل سفر کنید؟ در ماه یا هفته سفر دارید؟ سفر اول است یا دوم یا سوم؟ و...

حال اگر کارشناسی در پردازش سؤال فوق که مخاطب پرسید: (نمازم در سفر کامل است یا شکسته؟) بگوید: چند روز می خواهید باشید کمتر از ده روز یا بیشتر از ده روز؟

مثلا مخاطب بگوید شش یا هفت روز در سفرم ...

بعد کارشناس بگوید: نمازتان شکسته است حال علت سفر شما چیست؟

مثلا مخاطب بگوید: برای کار

کارشناس بگوید پس نمازتان شکسته نیست ظاهرا، و از این قسمت پاسخگو مجدد شروع کند و بپرسد شغلتان چیست و چند روز در سفرید؟ و...

این پردازش دارای سیر منطقی نیست زیرا یکی از ابتدایی ترین نکات نسبت به قصر یا کامل بودن نماز نسبت به سؤال فوق؛ قبل از تعداد روزها، **علت سفر** است. لذا کارشناس باید نسبت به کلی بودن سؤال در کیفیت سیر پردازش دقت کند (یعنی از کل به جزء برسد نه اینکه پراکنده وبدون توجه به سیر منطقی سؤال شرعی؛ پردازش کند. زیرا عدم توجه به سیر منطقی پردازش نشانگر عدم دقیق بودن پردازش است که موجب می شود مخاطب بصورت فوق سردرگم می شود). اگر مثلا کارشناس ابتدا از مخاطب می پرسید علت سفر شما چیست؟ و مخاطب می گفت: کار ... دیگر نقض حکم شکسته بودن نماز در بیان اولیه ی کارشناس؛ مخاطب را سردرگم نمی کرد.

^۱. رساله ی جامع؛ م ۳۴۴.

^۲. اجوبه استفتانات س ۱۱۹ - س ۱۱۰.

به عبارت دیگر کارشناس باید دقت کند تا تمام قیود و ابهامات را برطرف نکرده است؛ حکم نهایی را نگوید در واقع توجه به سیر منطقی پردازش باعث می شود کارشناس دچار تناقض در بیان نشود و مخاطب سردرگم نگردد. هرچند توجه به سیر منطقی پردازش از فنون بیان است اما بر دقت بودن محتوای پردازش نیز تاثیر می گذارد.

۳- در بعضی سوالات به صرف شنیدن سوال پاسخ ندهیم، چرا که بعضی از سوالات دلیلش جهل مخاطب به احکام است. مثال: کسی طریقه تیمم را پرسید؟ اول برای اینکه برداشت دخالت نکند اجمالی پاسخ دادم ولی پرسیدم چرا می خواهی تیمم کنی؟ گفت انگشتم زخم است خونش بند نمی آید، معلوم شد وظیفه اش وضوی جیره است.

۴- بعضی اوقات دانستن غرض سوال کننده می تواند در نوع و چگونگی پاسخ موثر باشد. مثلاً اگر شخصی از حقوق خودش بر گردن همسرش می پرسد باید با دقت جواب داده شود که موجب دامن زدن به اختلافات نشود البته با پاسخ دقیق و صحیح. یا مسائلی که مربوط به باب قضاوت و حکومت است باید با دقت جواب داده شود که تناقض برایش پیش نیاید.

۵- باید پاسخگو با تجربه ای که دارد از وضعیت روحی مخاطب آگاه شود، مثلاً نسبت به وسواسی بودن یا نبودن اطلاع یابد چرا که الگوهای پاسخ نسبت به شخصی که سلامت روحی ندارد (مثل شخص وسواس که طیف زیادی از مراجعین را به خود اختصاص می دهد) بسیار متفاوت است.

الگوهای وسواسی

در این اختلال چهار الگوی عمده از علائم را می توان یافت :

۱- شایع ترین الگو، وسواس نجاست و طهارت است بنابراین عمل وسواس به شکل شستن یا تمیز کردن است .
۲- دومین الگوی شایع وسواس، وسواس تردید. مثلاً احتمال باز ماندن شیرگاز، کلید برق و ... به سراغ فرد می آید و به دنبال آن چندین بار برای مطمئن شدن از بسته بودن شیرگاز و یا. به خانه برمی گردد و به اجاق گاز مثلاً سر می زند و این عمل به تکرار عبادات نیز سرایت می کند.

۳- وسواس فکری سومین الگوی وسواسی است این افکار که به طور تکراری و ناخواسته به سراغ فرد آمده و ذهن او را به خود مشغول می کند محتوای این افکار معمولاً عمل جنسی یا پرخاشگری یا آسیب رساندن است و از نظر بیمار غیرقابل تحمل و شرم آور است .

وسواس فکری می تواند مشکلات متعدد و مسایل آزاردهنده بسیاری را برای شخص مبتلا و اطرافیانش به همراه داشته باشد. در این حالت شخص مبتلا ممکن است تصاویری ذهنی به شکل صحنه های وحشتناک و ناراحت کننده بسیاری داشته باشد که هر چه بیمار سعی در مقاومت در مقابل آنها دارد، نمی تواند از آنها خلاص شود این وسوسه فکری از موضوعات بسیار کلی؛ مانند سوال ذهنی درباره اینکه : چه کسی خدا را آفریده ؟ هدف از زندگی

چیست؟ گرفته تا افکار گناه آلوده جنسی و ترسهای مرضی و... متفاوت است و تقریباً همه این افکاتر بیمار را در وضعیت وحشتناکی قرار می دهند.

۴- کندی عمل مورد دیگر از این اختلالات است. این بیماران ساعتها وقت خود را صرف خوردن غذا یا اصلاح سر و صورت، مسواک یا آماده شدن برای خواب یا مرتب کردن لباسها می کنند و در عبادات نیز منجر به طولانی انجام دادن آن می شود که اگر کمی سرعت را بیشتر کند تصور بطلان دارد.

نکته: لازم به ذکر است گاهی مخاطب ترکیبی از دو یا چند الگوی فوق به سراغش می آید .

غالباً وسواس ها مخصوصاً کسانی که وسواسی شان شدید است با یک بار گفتگوی یک پاسخگو به مسائل شرعی درمان نمی شوند و نیاز به مشاوره دارند ولی دم دستی هم ایشان را نمی شود دست خالی رد کرد. راه کارهای قابل ارائه به شخص وسواس:

۱. رساله عملیه مرجع تقلید را دقیقاً برایشان بخوانید (به خصوص بخش های مربوط به طهارت، نجاست، غسل و وضو)

۲. خود را ملزم کنند که برای غسل و وضو یا آب کشیدن بدن، لباس و یا چیزهای دیگر، به همان کیفیتی که در رساله آمده عمل نمایند و از زیاده روی جدا پرهیز کنند.

۳. بعد از این که طبق رساله عمل کردند یا چیزی را با آب شست و شو دادند و آب کشیدند، هیچ گونه شکی در طهارت آن به دل راه ندهند و اگر احساس می کنند، هنوز پاک نشده و یا غسل و وضو تحقق پیدا نکرده ، اعتنا نکنند و با همان وضع نماز بخوانند و سایر کارهای خود را انجام دهند.

۴. به ایشان بفهمانید که «وسواس» یک نوع کار شیطانی است و باید هر چه زودتر دست از آن بردارم. (با رعایت احترام و دقت در انتخاب الفاظ و عبارات)

۵. به او بیاموزید به خدا توکل کند و از او استعانت بجوید تا هر چه زودتر بر این مشکل فایق آید.

نکته: به سوال افراد وسواسی با دقت و حدالامکان کامل گوش کنید.

نکته: تخریب وسواس ممنوع، چون وسواس او را درمان نمی کند بلکه ممکن است وسواسش گسترش یابد یا نوعش تغییر کند مثلاً به وسواس فکری مبدل شود. (من شیطان پرستم)

الف: بایدها در پاسخگویی

- ۱- رجوع کردن هنگام شک و شهامت داشتن برای گفتن: "بلد نیستم"^۱
- (مُنْبِيَةُ الْمُرَيْدِ) عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ أَفْتَى بِفُتْيَا مِنْ غَيْرِ تَثَبُّتٍ وَ فِي لَفْظٍ بَغَيْرِ عِلْمٍ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ.
- (منبیه المرید) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَجْرُكُمْ عَلَى الْفَتْوَى أَجْرُكُمْ عَلَى النَّارِ.
- قال أمير المؤمنين على عليه السلام: لا تقل ما لا تعلم فتتهم بإخبارك بما تعلم.^۲
- ۲- اگر مسئله را اشتباه گفتید (چه در پاسخ یا بیان احکام) تصحیح شرعا واجب است.
- در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست؛ ولی کسی که دچار خطا می شود، جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در مسئله ای اشتباه کرد، چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه کند. به هر حال، بر مستمع جایز نیست تا به صحت گفتار گوینده اطمینان پیدا نکرده است، به نقل او عمل کند. (مشهور مراجع).^۳
- ۳- اصلاح عقاید و الفاظ غلط مخاطب در ضمن پاسخگویی، البته با حفظ احترام به مخاطب.
- ۴- ساده گویی.
- ۵- دقت در گوش دادن به سوال.
- ۶- با حوصله بودن، عجله نکردن، حتی اگر جواب را میدانید. (در حال راه رفتن پاسخ دادن؟؟؟)
- ۷- دقت در استفاده از تعابیر در صحبت با مخاطب. (یکی از اساتید به یک وسواس می گوید: هیچ آدم عاقلی چنین نمی کند!!! و او هم ادامه نمی دهد و می رود).
- ۸- تلفظ صحیح الفاظ و اعراب اصطلاحات فقهی.
- ۹- سلیقه به خرج دادن در چینش جملات و پاسخ و مقدمه چینی مناسب.
- ۱۰- در صورت بودن شرایط، برای مسائل حساس از خود منبع پاسخ دهید چراکه موجب اطمینان بیشتر می شود و خودتان نیز مطمئن در پاسخ می شوید. (اگر خودتان هم سوالی از کسی پرسیدید آدرس بخواهید و مراجعه کنید).
- ۱۱- همدردی با افراد گرفتار. (انگیزه او را در انجام عمل شرعی بیشتر می کند).
- ۱۲- اعتدال در سرعت سخن گفتن.
- ۱۳- تا حد ممکن به مخاطب نگاه کنیم مگر مواردی که از لحاظ عرف یا شرع ممنوع است. مثلا نگاه به صورت زن آرایش کرده برای نامحرم را مشهور فقها مثل مقام رهبری، آیت الله سیستانی حرام می دانند.

^۱ قال امیرالمؤمنین علیه السلام: قول لا اعلم نصف العلم. معجم الفاظ غررالحکم، ص: ۱۱۰۵.

^۲ بحار الأنوار ج: ۲ ص: ۱۲۴.

^۳ توضیح المسائل مراجع، م ۱۳؛ سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۵۸ و ۴۸؛ محمد فاضل لنکرانی و جامع المسائل، ج ۲، س ۳۰؛ الاحکام الواضحه، تقلید، م ۱۷ و ۱۸؛ سیدروح الله خمینی: «و همچنین است اگر مجتهد در نقل فتوا خطا کند» (تحریر الوسیله، ج ۱، تقلید، م ۳۰)؛ سیدمحمدرضا موسوی گلپایگانی و لطف الله صافی گلپایگانی، هدایة العباد، ج ۱، م ۳۳. سیدعلی خامنه ای، اجوبه الاستفتانات، س ۲۸ و تحریر المسائل، م ۳۲.

۱۴- در هنگام پاسخگویی و بیان احکام باید جایگاه همه مراجع رعایت شود. (جایگاه پدر و مادر و...)

۱۵- به روز بودن تعابیرها

۱۶- تحویل دادن سوال به مراجعه کننده، سوال را برای خودمان روشن و شفاف می کند.

۱۷- توضیح بیش از آنچه پرسیده است.

۱۸- بعضی اوقات لازم است جواب را با سختی و ناراحتی گفت.

۱۹- تعهد عملی به احکام

۲۰- در برخورد با افراد غیر همفکر رعایت و دقت در نکاتی توصیه می شود:

- اگر با اعتراض شدید با قاطعیت رد نکنید و آرامش را حفظ کنید.

- در صورت بودن شرایط به تبیین عادت و یا دیدگاه غلط او بپردازید و الا بگذرید.

- می توان با رعایت احترام با طرح چند سوال غرور کاذب طرف مقابل را تخلیه کرد.

- بعضی حرفها را باید برای خدا نشنیده گرفت و مماشاه کرد.

- قبول حرف حق.

ب: نیایدها در پاسخگویی

۱- زود قضاوت نکنیم.

۲- تخریب مراجع تقلید ممنوع. (نسبت به برخی از فقها می توان گفت: من فتوای ایشان را بلد نیستم.)

۳- ورود جدی به بیان فلسفه احکام ممنوع. (البته بعضی اوقات، آن هم با دقت در تعابیر اشکال ندارد: شاید یکی از حکمتهای این حکم چنین باشد که ...)

۴- در امور شخصی دخالت نشود، (چرا بچه دار نمی شوی چرا ازدواج نمیکنی و ...)

۵- تنبلی و سستی و بی حوصلگی ممنوع. (پاسخ به تلفن ها و ...)

امام حسن عسگری (ع) می فرماید: زنی خدمت حضرت فاطمه (س) رسید و گفت: مادر ناتوانی دارم که در نمازش به مشکلی برخورد کرده است اکنون مرا خدمت شما فرستاده تا مسأله او را طرح کنم پس از آن حضرت فاطمه (س) پاسخ وی را داد آن زن بار دوم مسأله ای پرسید و حضرت جواب داد مجدداً سؤالی دیگر پرسید و نهایتاً برای ده مسأله تقاضای جواب نمود. آنگاه آن زن از زیادی سؤال شرمنده شد و گفت: ای دختر رسول خدا دیگر مزاحم نمی شوم، خسته شدید. فاطمه (س) فرمود: خجالت نکش هر سؤالی داری بفرما تا جواب دهم، من از سؤالات تو خسته نمی شوم و با کمال میل جواب می دهم. آنگاه فرمود: اگر کسی بار سنگینی را بر بام حمل کند و در قبال آن مبلغ صد دینار بگیرد خسته می شود؟ زن پاسخ داد نه خسته نمی شود حضرت فرمود: خدا در برابر جواب هر مسأله ای به من ثواب بیشتری می دهد حتی بیشتر از آنکه بین زمین و آسمان پر از مروارید باشد. با این وجود از جواب دادن مسأله خسته می شوم؟

۶- اجتناب از تعابیر خلاف شان (بی حیایی)

۷- مسخره و توهین به افراد ممنوع

مهارت‌های بیان احکام

مراحل آمادگی جهت بیان احکام

* یک مبلغ جهت آمادگی برای بیان احکام چه مراحل را باید بگذراند؟

کسی که می‌خواهد احکام شرعی بگوید، قطعاً باید خودش آشنایی به احکام شرعی داشته باشد یا به تعبیر دیگر، مسئله‌گو باید مسئله‌دان باشد و جهت آمادگی برای بیان احکام باید مراحل را بگذراند که عبارتند از: ۱. انتخاب کلی بحث؛ ۲. مطالعه دقیق و کامل کل بحث انتخابی؛ ۳. انتخاب مسائلی در بحث انتخاب شده؛ ۴. تنظیم و دسته‌بندی مسائل؛ ۵. خلاصه نویسی و یادداشت برداری.

۱- انتخاب بحث

یک بیان‌کننده احکام در انتخاب کلی بحث نیز باید ملاک‌هایی را مد نظر داشته باشد:

- ۱- مقدار ضرورت و اهمیت بحث: روی عن امیر المومنین علیه السلام: من اشتغل بغير المهم ضیع الاهم.
- ۲- نیاز افراد: اینکه آیا مخاطبین و یا شاگردان، به این بحث نیاز دارند یا ندارند؟ (توضیح خواهد آمد)
- ۳- فهم افراد: اینکه آیا این بحثی را که می‌خواهد مطرح کند، مخاطبین می‌توانند بفهمند یا نه؟
- ۴- زمان در اختیار: به نحوی بحث خود را با زمانی که در اختیارش قرار داده‌اند تنظیم کند تا بتواند حق مطلب را ادا کند و مطلب تمام شود و فقط در اذهان شبهه ایجاد نشود.
- ۵- لحاظ عنوان مجلس (مجلس علمی یا روضه و یا ترحیم و یا ...) و زمان (ایام حزن و شادی)
زمانه ما چه مباحثی را می‌طلبد؟ گاهی فصول و شرایط هم می‌طلبد که احکام متناسب بگویم مثلاً ایام ماه مبارک یا دهه محرم بدانم چه بگویم یا روز شهادت یا ولادت، این دقتها می‌تواند تا حدی از خشکی احکام بکاهد.

عوامل مؤثر در تعیین نیاز افراد

یک استاد خوب هم نیاز شناس هست و هم نیاز ساز است.

عوامل متعددی در تعیین و تغییر نیاز افراد مؤثر است که از جمله آنها این نکات است:

- دانستن سن افراد، اعم از: کودکان، نوجوانان، بزرگسالان. انا امرنا ان نکلّم الناس علی قدر عقولهم
- دانستن جنس افراد؛ چرا که مسائل مورد نیاز خانمها و آقایان، دخترها و پسرها متفاوت است. در جمع مختلط مسئله‌ها را که گزینش می‌کنید باید دقت کنید تک بعدی نباشد مثلاً از زن که می‌گویید نکته‌ای از مرد هم بگویید.

- دانستن موقعیت مکانی افراد که کجا زندگی می کنند؟ مثلاً نوجوانی که در شهر تهران زندگی می کند، احتیاج به بعضی از احکامی که مورد نیاز یک نوجوان روستایی است، ندارد و همچنین بالعکس. خداوند متعال نیز مطابق با مکان مخاطب خطاب قرار داده است: (افلا ينظرون الی الابل کیف خلقت) این توجه به موقعیت افراد حتی ما را نیز در برخورد هایمان تعدیل می کند: (در یک دبیرستان دخترانه در تهران: دختر خانم می گوید مادرم مسخره می کند نماز بخوانم (شرایط او را در غالب خودش ببینیم و احکام مطابق با آن))

- دانستن موقعیت زمانی؛ قبل از انقلاب اسلامی، افراد خیلی اهل اعتکاف نبودند و تعداد معدودی در برخی شهرها معتکف می شدند؛ ولی الآن هزاران نفر در مساجد معتکف می شوند و باید مسائل اعتکاف را بدانند. همچنین است مسئله پیوند اعضاء و شبیه سازی و امثال اینها.

- دانستن موقعیت شغلی و علمی افراد؛ به عنوان مثال: اگر بخواهید روز معلم برای عده ای از معلمان صحبت کنید و احکام و مسائل شرعی را برای آنها بگویید، قطعاً شغل آنها در تعیین نیازشان مؤثر است و به ذهن شما می آید مسائلی را بگویید که متناسب شغلشان باشد و یا در روز پرستار باید احکامی را برای پرستاران بیان کنید که متناسب شغل آنان باشد. *مثلاً برای طلبه ها بدیهیات گفته نشود از خمس از نماز مسافر و قصد عشره ...

نکته: بعضی از موضوعات پر طرفدار هستند: عقیقه، ازدواج، استخاره، قضای نماز و روزه، قمر در عقرب، نذر و ...

۲- مطالعه دقیق و کامل

ب- مطالعه کامل و دقیق بحث انتخابی (باید ابعاد مختلف بحث را مسلط شود چون احکام چیزی است که اگر سوالی شود و بلد نباشیم اشتیاق مخاطب کم می شود) (مسائل به صورت کلی و مبهم جواب نمی دهد: مثال: توضیح دقیق قصد عشره برای کسانی که اجمالاً می دانند در ده روز نماز کامل است)

یکی از نکاتی که در مطالعه باید بدان دقت شود اختلاف نسخ است که به تبع نسخه به روز تر معتبرتر است.

۳- انتخاب مسائلی در بحث انتخاب شده

بعد از آن که استاد بیان کننده اصل موضوع بحث را انتخاب کرد و یک مطالعه دقیق نسبت به مسائل آن موضوع انتخاب شده داشت نوبت به آن می رسد که به تناسب مخاطب از بین مسائل شرعی آن بحث منتخب مواردی را انتخاب کند.

کارشناس باید بداند تمام ملاک هایی را که در انتخاب کلی بحث به کار برده بود تا بداند در این جلسه راجع به چه موضوعی باید صحبت کند در این مرحله گزینش مسائل نیز لازم است به طور دقیقتر لحاظ کند و مسائلی را انتخاب کند که متناسب با زمان ، مکان، مناسبت، مخاطب و ... باشد.

که چون ما این مطالب را در بخش انتخاب بحث گفتیم دیگر تکرار نمی کنیم.

۴-تنظیم و دسته بندی مسائل

*برای تنظیم و دسته بندی احکام از چه شیوه هایی می توان استفاده کرد؟

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمَهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ؛ بهترین سخن آن است که حسن نظام، آن را زینت داده باشد و عام و خاص آن را بفهمند.

مطالبی را که ما می خواهیم برای شنوندگان بیان کنیم، اگر منظم و دسته بندی شده باشد، قطعاً بهتر می فهمند. غرض از بیان احکام نیز در مرحله اول، فهم احکام است و در مرحله بعد، عمل به آنهاست و در صورت منظم بودن، هم خودمان بهتر می توانیم مطالب را تبیین کنیم و هم مخاطبان و شنوندگان بهتر می فهمند.

برخی از متخصصین فن برای دسته بندی مطالب شیوه هایی را بیان فرموده اند که در این بخش بدان اشاره ای کوتاه می شود: ۱. خوشه ای یا نموداری؛ ۲. پرسشی؛ ۳. عنوانی؛ ۴. تلفیقی یا ترکیبی. ۵- رمزی

شیوه نموداری

همان شیوه متعارف و متداول است که یک بحثی را از کل به جزء می برند و این شیوه از بقیه شیوه ها راحت تر است: یک نمونه از احکام به شیوه نموداری:

▪ کشف خلاف قبله در نماز:

الف) در اثناء نماز:

کمتر از ۹۰ درجه: ذکر را قطع کرده به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد.

بیشتر یا مساوی ۹۰ درجه: نماز باطل است. (مگر در صورت تنگی وقت)

ب) بعد از نماز:

کمتر از ۹۰ درجه: صحیح است.

بیشتر یا مساوی ۹۰ درجه:

▪ در وقت نماز: باید اعاده شود.

▪ خارج از وقت نماز: مستحب است که اعاده شود. (امام خمینی، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم)^۱

نکته: این تقسیم بندی در صورتی جاری است که با حجت شرعی قبله را شناخته و بعد کشف خلاف شده است وگرنه در فرض غفلت و یا مسامحه در استقبال، اگر کشف خلاف شد اعاده واجب است.^۲

^۱ - عروة الوثقی، تحریرالوسیله، منهاج الصالحین، وسیلة النجاة (فی قبله)

^۲ - عروة الوثقی فصل فی القبلة م ۱۷

مثال دوم:

تحلیل بازی ها و ورزشها از لحاظ شرعی:

▪ انواع ورزش و بازی:

- ۱- با ابزار قمار انجام شود: چه برد و باخت مالی باشد چه نباشد حرام است.
- ۲- بدون ابزار است یا بدون ابزار قمار: با برد باخت حرام است مگر سبق و رمایه و بدون برد و باخت اشکال ندارد.
- ۳- با ابزار مشکوک:

- حالت قبلی دارد: حرام بوده است: حرام است

- حالت قبلی ندارد: اشکال ندارد

ترسیم فلش بندی و دسته بندی سه اصل دارد:

۱- تنظیم و دسته بندی احکام با یک حیثیت باشد و یکسان باشد: مثلا چیزهایی که سجده بر آن صحیح است: خوردنی نباشد پوشیدنی نباشد مواد معدنی نباشد بعد بگوییم پاک هم باشد این مورد آخر غلط است چون تمام این موارد باید پاک باشد (مورد آخر در مورد شرایط مایصح السجود است و خلط مبحث شده است)

۲- تنظیم و دسته بندی احکام نسبت به یکدیگر غیر متداخل باشد.

۳- جامع افراد و مانع اغیار باشد.

شیوه پرسشی

بدین ترتیب که پس از انتخاب مسائل در قالب چند سؤال دقیق و با ترتیب منطقی و منظم، سؤالها را مطرح می کنیم و به جواب آنها می پردازیم. برای نمونه، بحث موسیقی را به شیوه پرسشی مطرح می کنیم:

۱. موسیقی و غنا چیست؟ ۲. آیا موسیقی و غنا مطلقاً حرام است؟ ۳. ملاک تشخیص موسیقی حلال و حرام چیست؟ ۴. نواختن و گوش دادن به موسیقی مشکوک چه حکمی دارد؟ ۵. آیا موسیقی هایی که از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می شود یا مجوز ارشاد دارد، حلال است؟ و سؤالات دیگری که در همین زمینه می توان طرح کرد و جواب آنها را طبق فتاوی مراجع داد.

شیوه عنوانی

تعدادی عناوین مورد نیاز و جذاب را انتخاب می کنیم بعد در بین احکام و مسائل شرعی، مسائلی که مربوط به عنوان مورد نظر است، جمع آوری می کنیم. بعد همان عنوان را به عناوین دیگر تقسیم بندی می کنیم. به عنوان نمونه، احکام لباس را بدین شیوه تقسیم بندی می کنیم:

- احکام لباس: ۱. لباس نماز؛ ۲. لباس پوشش (لباس حجاب)؛ ۳. لباس احرام؛ ۴. لباس آخرت، یعنی لباس میّت. بعد وارد شرایط لباسها می شویم که مثلاً لباس نماز چه شرایطی باید داشته باشد؟ اینکه مباح و پاک باشد، از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد و شرایط دیگر.

- چه چیزهایی وجوب فوری است؟

جواب سلام، سجده آیه سجده، تطهیر قرآن، توبه، نجات جان مومن، سجده سهو، نماز احتیاط، پوشش از نامحرم و ...

- آرامش در حال نماز واجب است، در چه حالتی می توان بدون آرامش نماز خواند؟

پاسخ: در قطار، هواپیما، نماز مستحبی، در نماز جماعت که امام در رکوع است و می توان نماز را ابتدا اقامه کرد و راه رفت تا به صف جماعت رسید.

نکته: یک اصل را در روش عنوانی رعایت کنیم: یک بیان کننده خوب از اختراع عناوین (کلی و جزئی) و کلمات و لغات و اصطلاحات متناسب با روحیه مخاطب ابایی ندارد. (احکام ویژه پرستاران، بایدها و نبایدهای رفتاری با بیماران و ...)

شیوه ترکیبی

در این شیوه ممکن است از شیوه عنوانی و پرسشی شروع کنیم و خوشه ای و نموداری پیش برویم؛ یعنی تلفیقی از آن سه شیوه را استفاده کنیم.

روشهای بیان احکام

روش توضیحی

روش توضیحی: آن است که بیان کننده به روش سنتی به بیان مسائل شرعی، مثلاً به صورت مسئله به مسئله بپردازد. این روش که معمولاً توسط بسیاری از اساتید اتخاذ می شود تکراری و خسته کننده است و معمولاً کمتر از روشهای دیگر کارشناس را به انتقال مفاهیم به مخاطب کمک می کند و جلسه از آن نشاط خاصش فاصله می گیرد. و البته ناگفته نماند که یک استاد زبردست با همین روش هم می تواند جلسه ی زنده ای داشته باشد و این زنده بودن را می تواند مرهون انتخاب بحث عالی، بیانی شیوا، بکار بردن مثالهایی کاربردی و ... دانست.

نکته: تنها ۱۳ درصد یادگیری از راه گوش انجام می شود.

روش استفاده از آیات و روایات الاحکام

در این روش استاد بیان کننده با ذکر آیات و روایات فقهی بحثش را ارائه می دهد در بین آیات تقریباً ۱۵۰ آیه از آیات فقهی برای استفاده در این روش می تواند کاربرد داشته باشد. که این آیات فقهی در غالبی متفاوتی به صورت کلی، جزئی اجمالی و جزئی تفصیلی مشهود است.

تقسیم بندی احکام نسبت به آیات الاحکام:

الف) احکام کلی و عام: ناظر به یک حکم خاص نیست (قواعد فقهی): اوفوا بالعقود - لایکلف الله نفسا الا وسعها - لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا - ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج. که در دل هر کدام از این آیات دریایی از مسائل گنجانده می شود.

ب) احکام جزئی اجمالی: آیاتی که اسم یک حکم شرعی را آورده ولی توضیح نداده: (مسائل فقهی) کتب علیکم الصیام - اقیموا الصلاه لدلوک الشمس - و لکم فی القصاص حیاه - وارکعوا مع الراکعین (نماز جماعت)

ج) احکام جزئی تفصیلی: یک حکم شرعی را با تمام شرایط بیان شده: طریقه وضو: و امسحوا ... - لاتجهر بصلاتک .. انما الصدقات - و علموا انما غنتم - و اتموا الحج و العمره - آیه وضو و تیمم و ...

آیه وضو و تیمم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.^۱

آیه خمس:

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۲

^۱ {۶/مائده}

^۲ انفال ۴۱

ثمرات این روش

نورانیت و معنویت بحث - اطلاع مخاطبان از منابع استنباط احکام (انما المشرکون نجس) - تنوع و جذابیت - افزایش یادگیری و پذیرش بیشتر (متقن بودن مطالب)

نکات قابل توجه

در استفاده از آیات و روایات در بیان احکام توجه به نکاتی بسیار مهم است:

۱- دقت و ظرافت در استفاده (ظاهر آیه با حکم شرعی مطابق باشد، به عنوان مثال در آیه خمس عنوان وَالْیَتَامَى به عنوان یکی از مصارف خمس می تواند مورد اعتراض مخاطبین قرار گیرد.)

۲- دوری از مباحث تخصصی فقهی: کارشناس باید توجه کند که جلسه بیان احکام شرعی برای مردم را با جلسه مباحثه درسی و عملی اش اشتباه نگیرد و از مباحث تخصصی در این جلسات اجتناب شود.

۳- استفاده مختصر از تفسیر آیه مورد بحث: اذا قمت الی الصلاه فاغسلوا وجوهکم الی المرافق (الی به معنای مع یا بیان حد شستن است تا اینجا بشوید)

۴- بیان آیات و روایات بسیار مختصر و البته مفید باشد و نباید مقدمه از ذی المقدمه طولانی تر نشود چراکه عنوان جلسه ی او بیان احکام است نه تفسیر قرآن.

۵- توجه به زمان و مکان در اصل استفاده از این روش (هر جا نمیشود از این روش برای ارائه احکام استفاده کرد، بعضی اوقات هم خیلی خوب است مثل ماه رمضان)

منابع آیات الاحکام

- تفسیر نمونه: فهرست موضوعی ص ۳۱۷ الی ۴۵۴ بحث رفتار هر مسلمان
- المیزان: فهرست راهنمای موضوعی ص ۲۰۱ تا ۲۱۳
- تفسیر جامع آیات الاحکام (زین العابدین قربانی: امام جمعه رشت) ۶ جلد
- آیات الاحکام آقای محمد رضا قیاسی (مختصرترین کتاب)
- آیات الاحکام آقای کاظم مدیر شانه چی
- کنز العرفان آقای فاضل مقداد

به دو روش:

۱- احکام در کنار آیات: یعنی اول احکام را بگوییم و بعد آیه را بگوییم:

مثال: احکام جهر و اخفات در نماز: عزیزان! ما نماز را از جهت بلند خواندن یا آهسته خواندن به سه قسمت تقسیم می کنیم: ۱- قرائت در دو رکعت اول ۲- ذکر تسبیحات در رکعت سوم و چهارم و ۳- بقیه اذکار، که در قسم اول در نماز صبح و مغرب و عشا باید بلند خوانده شود و تسبیحات در رکعت سوم و چهارم باید آهسته خوانده شود و در قسم سوم بلند خواندن یا آهسته خواندن برای نمازگزار اشکال ندارد.

حال اینجا می گوییم وقتی می گوییم بلند یعنی چطور؟ بعد آیه را بخواند: و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها و ابتغ بین ذلک سییلا

۲- آیات در کنار احکام: اینکه اول آیه قرآن خوانده می شود و بعد از آن تفسیر کوتاهی از آن بیان شده و بعد می گوییم فقها با همان نگاه متخصصانه از دل آیه...

این روش بیشتر کاربردش در مورد مخاطبینی است که دوست دارند اول استدلال برایشان مطرح شود و سپس حکم شرعی تبیین گردد.

نکته: کارشناس باید در استفاده از این روش دقت کند که مخاطب را طوری بار نیورد که باور او این شود که تمام احکام شرعی به همین منوال مستند قرآنی دارند.

روایات فقهی

احادیث و فرمایشات معصومین منبعی غنی و قابل استفاده برای بیان کننده احکام می باشد.

اهل سنت احادیث فقهی کمی دارند روی این جهت برای حل مسائل فقهی به قیاس و استحسان رو آورده اند.

رشید رضا صاحب تفسیر المنار در این باره گفته است: احادیث احکام از پانصد حدیث تجاوز نمی کند تازه اگر بخواهیم گسترش بدهیم و احادیث موقوف و مرسل را هم اضافه کنیم تنها چهار هزار حدیث خواهد شد.

ولی شیعیان علاوه بر "احادیث احکامی" که شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بیان فرموده اند احادیث فقهی ائمه معصومین (علیهم السلام) را نیز به عنوان جانشینان بر حق آن حضرت را دارند.

مجموعه‌های حدیثی شیعه هم‌چون "وسائل الشیعه" و "جامع الاحادیث" بیان‌گر این حقیقت است.

به عنوان نمونه جامع احادیث الشیعه، طبق شمارشی که در چاپ ۳۱ جلدی آن صورت گرفته، ۴۸،۳۴۲ حدیث دارد.

روش نظارت و بیان نقائص

- روش نظارتی بر احکام عملی: مثلاً یکی وضو بگیرد و دیگران نظارت کنند و نقایص را بگویند.
- روش نظارت بر پاسخ مخاطبین به سوال مطرح شده توسط استاد و جمع بندی پایانی توسط استاد.

روش عملی

بعضی از موضوعات فقهی هستند که به جهت داشتن ظرافتهای خاص برای فهم دقیق و کامل نیاز به انجام عملی آن برای یادگیری داریم: تیمم، تجهیز میت، تطهیر فرش و ...

حمّاد بن عیسی می گوید: روزی امام صادق علیه السلام به من فرمودند: «چقدر خوب است بلند بشوی و یک نماز بخوانی.» گفتم: ای آقای من! من کتاب حریر را حفظ هستم و مطابق آن نماز می خوانم. حضرت فرمودند: «اشکال ندارد، بلند شو یک نماز بخوان ببینم!» می گوید: بلند شدم و یک نماز خواندم. حضرت فرمودند: «برای شما که از اصحاب ما هستید، زشت است این طوری نماز بخوانید.» بعد حضرت نمازی خواندند و گفتند: «این گونه نماز بخوانید!» از این حدیث بر می آید که این نماز، نماز آموزشی بوده است و این، آموزش عملی احکام است.

روش مقایسه ای (تفاوتها و مشترکات)

مقایسه در تبیین احکام به صورت های مختلف ممکن است صورت گیرد مثلاً: تفاوت وضوی مردان و زنان، تفاوت غسل های زنان و مردان، تفاوت بالغ و غیر بالغ و تفاوت نماز و روزه و ... یا مثلاً بیان مشترکات بین وضو و غسل، نماز و روزه و ... جناب حجه الاسلام محمود اکبری در این زمینه نوشته ای دارند که قابل استفاده است.

روش غیر مستقیم

در این روش بیان کننده به صورت غیر مستقیم شروع می کند به بیان احکام که غالباًهای مختلفی دارد که هر کدام متناسب با مخاطب و زمان و جلسه استفاده می شود:

- غالب داستانی: خداوند متعال برای انتقال مفاهیم عمیق دینی در قرآن ۲۸۰ داستان بیان فرموده است.

- فواید غالب داستانی: در تفهیم و رسوخ می تواند موثر است - مانع خشکی و خستگی است - فراموش نمی کند - اجراء راحتتر است - (منابع: شان نزول بعضی از آیات الاحکام - کتابهای آقای اشتهاوردی - روایات فقهی داستانی - احکام داستانی جناب حجه الاسلام اکبری و ...)
- غالب طرح سوال: (مورد ابتلا باشد - جنجالی و جالب - مطابق با ظرفیت و فهم مخاطب باشد پیچیده نباشد و ساده مطرح شود فرصت جوابش باشد)
- غالب شعر: برای کودکان مخصوصا روش مناسبی است.
- غالب تئاتر: استاد نیاز به یک تیم برای اجرای نمایش دارد.
- غالب لطیفه: در روایات مواردی وجود دارد و همچنین خاطرات خود استاد یا شنیده ها:
 - * غسل در عقد و زدن زنگ حمام
 - * وارد شدن سگ به مسجد
- غالب ضرب المثل: مثلا منافات داشتن ضرب المثل "عیسی به دین خود موسی به دین خود" با مبحث امر به معروف و نهی از منکر.
- غالب خاطره: استاد بیان کننده در عرصه پاسخگویی و مواجهه به مردم خاطرات شیرینی دارد که می تواند هم در جهت یادگیری و هم شیرینی بحث به او کمک کند.
- غالب چیستان

روش قاعده ای

حدود ۱۲ قاعده و ۱۰۰ حکم کلی در فقه موجود است: قاعده هایی مثل قاعده استصحاب، قاعده فراغ، قاعده طهارت، و حکم کلی مثل: تمام نمازهای مستحبی دو رکعتی است الا ...

بایدها در بیان احکام

* هنگام بیان احکام چه اصول و نکته هایی را باید رعایت کرد؟

۱- ساده گویی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل هنگامی که او را به یمن فرستادند، در ضمن بیانی فرمودند: «يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ؛ آسان بگیر و سخت نگیر!» معاذ به عنوان رئیس حکومت و والی و حاکم به یمن فرستاده نشد، بلکه به عنوان یک مبلغ دین به یمن رفت و مراد حضرت ظاهرا این بود که در امر تبلیغ به گونه ای و به شیوه ای عمل کن که بر مردم سخت نباشد؛ یعنی تصور نکنند که این دین، دین مشکلی است.

پس در بیان احکام باید مسائل را به گونه ای بگوییم که مردم بفهمند. مقصودمان ساده کردن احکام برای عمل نیست که اگر احتیاط واجب بود، بگوییم: احتیاط مستحب است و اگر واجب بود، بگوییم واجب نیست، نه چنین نیست؛ بلکه باید احکام را به گونه ای توضیح دهیم که مخاطبان متوجه بشوند. مقصود از ساده گویی هم این است که اولاً، در بیان احکام از اصطلاحات و لغات نامأنوس غیر ضروری بپرهیزیم و ثانیاً، از جملات کوتاه و روان استفاده کنیم.

۲- تبشیر:

از جمله سفارشات پیامبر صلی الله علیه و آله به معاذ، این بود که: «یا معاذُ بَشْرٌ وَلَا تُتَفَرُّ؛ ای معاذ! بشارت بده و نفرت ایجاد مکن!» مطلبی را که می گوییم، آیا در دل مخاطب نسبت به دین و نسبت به آن مطلب، ایجاد علاقه می کند یا اینکه ایجاد تنفر می کند؟ ما باید این احکام زیبا و متفن را صحیح و به گونه ای بیان کنیم که افراد به احکام علاقه مند شوند. حال اگر سؤال شود که چگونه بگوییم تا این مسئله رعایت شود؟ جواب می دهیم:

الف. در بیان احکام، مسائل را به گونه ای بیان نکنیم که مخاطب به ویژه جوان و نوجوان تصور کند اسلام از او سلب آزادی کرده است؛ چرا که انسان به آزادی علاقه مند است. اگر مخاطب تصور کند که اسلام و احکام دینی او را به بند می کشد و بر سر همه راهها علامت ورود ممنوع دارد، بعید است او علاقه چندانی به دین نشان دهد. بنای دین این نیست که در اسلام محرمات بیش از مباحات باشد. ما در اسلام چهار اصل مهم داریم: ۱. اصل طهارت، یعنی اصل بر این است که همه چیز پاک است؛ ۲. اصل اباحه، یعنی اصل بر این است که اعمال و کارها جایز است «إِلَّا مَا خَرَجَ بِالْذَّلِيلِ»؛ ۳. اصل حلیت که خداوند برای شما پاک و پاکیزه و طیب را حلال کرده است؛ ۴. اصل صحت که یعنی اصل بر صحت عمل مؤمن است.

ب. بنای ما در بیان احکام، گره گشایی باشد؛ یعنی یک سری مشکلها و مسائلی که مبهم است و مخاطبان تصور باطل از آنها دارند، به صورت روشن بیان کنیم؛ مثلاً خیلی از مردم خیال می کنند موش، سوسک و استفراغ نجس است؛ در حالی که اینها نجس نیستند. یک سری سؤالات هم ممکن است برای خود ما پیش بیاید که برای مردم هم پیش می آید، مثل: آب کشیدن موکت چسبیده که برای خیلیها مشکل است و اینکه آیا ماشینهای لباس شویی مُطَهَّر و پاک کننده هستند یا نه؟ پس باید در بیان احکام گره گشا باشیم.

ج. یک سری احکام کلی را بیان کنیم که مخاطب فکر کند یکباره احکام زیادی یاد گرفته است؛ مثلاً اینکه تمام نمازها باید با طهارت باشد، به جز نماز میّت. این یک مسئله کلی است که چندین مسئله را از آن یاد می گیرند.

۳- استفاده از مثال یا تطبیق حکم بر مصداق:

در بیان احکام مثالهای متفاوتی بزنید. (بیان کننده باید مثال زیاد تو ذهنش باشد) خواندن استفتائات مراجع کمک می کند.

مصدق و مثالی که برای احکام بیان می کنیم، باید دارای شرایطی باشد: ۱. مطابق با حکم باشد؛ ۲. در سطح فهم سن شغل مکان افراد باشد؛ ۳. مطابق با نیاز افراد باشد؛ یعنی مثال قدیمی نباشد و مبتلی به باشد؛ ۴. مختصر و گویا باشد؛ ۵. به قدر نیاز آن مسئله باشد. ۶. مثالها قابل اعتراض نباشد ۷. شرایط زمانی رعایت شود (شب شهادت روز عید)

۴- استفاده از ابزار جهت آموزش دیداری

این اصل از اصول کلاس داری است که بعضی از پرسشها و نمودارها را روی تخته می نویسند. امروزه هم ثابت شده است که اگر قوه بینایی به کمک قوه شنوایی بیاید، در فراگیری و شناخت بسیار مؤثر است. اگر هم امکانات دیتا باشد که بهتر است.

۵- سؤال از حاضران:

یکی از عوامل خسته کننده بودن بیان احکام، این است که ما همیشه متکلم وحده باشیم. بنابراین، با سؤال از حاضران می توان از این حالت بیرون آمد. سؤال از حاضران بر دو نوع است: یا سؤال آموزشی است که از ناگفته هاست و یا سؤال آزمایشی است که از گفته های قبل است.

۶- پاسخ به سؤالات حاضران

: برای پاسخ گویی به سؤالات حاضران چند نکته را باید به مخاطبین تذکر دهیم تا ایرادگیریها کم شود و سؤالها سامان پیدا کند و ما بهتر بتوانیم جواب دهیم:

الف. شیوه خودمان در پاسخ گویی به سؤالات را در همان جلسه اول بگوییم.

ب. تذکر دهیم که سؤالات باید نفع عمومی داشته باشد.

ج. تذکر دهیم که سؤالات باید مربوط به بحث باشد و سؤالاتی که مربوط به بحث نیست، برای پایان جلسه گذاشته شود.

و البته در پاسخ گویی، از شیوه های شفاهی یا کتبی می توان استفاده کرد؛ ولی برخی سؤالهای مکتوب را حتما باید به صورت کتبی جواب داد.

۷- رعایت شأن مراجع تقلید و بزرگان

در هنگام پاسخگویی و بیان احکام باید جایگاه همه مراجع رعایت شود. (جایگاه پدر و مادر و ...)

۸- بیان خلاصه بحث در آغاز و پایان بحث

خلاصه مطالب را اول بحث مطرح کرده و بعد از آن توضیح دهد.

۹- جمع بندی فتاوی تا حد ممکن

فتاوی بعضی از مراجع که نسبت به باقی فقها مقلد بیشتر دارند را ملاک قرار دهد (بررسی تعداد نظرات مراجع بستگی به جلسه دارد که اگر از جلسات عامه مردم است نظرات امام ره و امام خامنه ای و آیات عظام سیستانی و مکارم حفظهم الله در اولویت می باشد) و تا جایی که ممکن است نظرات را جمع کند.

برای اینکه جلسه برای تمام افراد حاضر، ثمره داشته باشد باید در مقدمه اشاره کنیم که ما فقط ناظر به فتاوی برخی از مراجع هستیم و نام ایشان را نیز ذکر کنیم.

جمع کردن فتاوی به این است که یا فتاوی به احتیاط را نقل کنیم که به نظر همه مراجع صحیح باشد مثلا برای تطهیر فرش به طریقی نقل شود که به نظر همه مراجع پاک باشد، یا اینکه مثلا بگویید اکثر مراجع به فتوا و یا احتیاط فلان نظر را دارند و آیت الله فلانی نظرش با مراجع دیگر متفاوت است.

نکته: اینکه در چه مجالسی بیان اختلاف فتاوی مصلحت است و در چه اماکنی به صلاح نیست تشخیصش به عهده کارشناس است. ولی اجمالا می گوییم بیان اختلافات فتاوی به مقدار مختصر در غالب مجالس بلامانع است. البته نکته ای باید رعایت شود که کارشناس از لغت "اختلاف" استفاده نکند. بلکه مثلا به این نحو بیان کند که نظر برخی از مراجع عظام تقلید در این مسئله متفاوت است.

۱۰- ورود به موضوعات جنجالی با احتیاط

بعضی از مسائل مثل ازدواج موقت، مسائل مربوط به ازدواجهای حرام، روابط نامشروع و ... باید متناسب با جو جلسه و حاضرین تعدیل شود.

۱۱- بیان آسانیهای احکام

در این بایسته به دو نکته توجه شده است:

۱- کارشناس احکام حدالامکان باید بنایش در بیان احکام آسانی های آن باشد و موارد عدم جواز و عدم صحت را در غالب نکته بیان کند.

مثلا اگر کارشناس در جمع پرستاران و پزشکان مسئله می گوید اول به موارد و شرایط جواز نظر و لمس بدن بیمار را بیان کند (با تمام قیودش) و بعد از آن به صورت گذرا و نکته ای موارد حرام را نیز بیان کند.

۲- مواردی که غالی مردم آن را سخت می پندارند و یا با آن مشکل دارند با بیانی روان راه صحیحش را تبیین کند
مثل:

* نماز روی فرش نجس صحیح است.

* در صورت شک در نجس بودن چیزی بنا را بر پاکی میگذاریم .

* طریقه تطهیر مخرج بول و غائط و ...

۱۲- مبارزه با سخت گیریهای بیهوده و افکارعوامانه

*خیلی از نذرها فاقد صیغه شرعی است

*آب جوی کنار خیابان پاک است .

*امکان تطهیر مخرج غائط با غیر آب

*راه فرار از روزه : سفر قبل از ظهر البته مکروه است

نبايدها

* مواردی که در بیان احکام از گفتن آنها باید صرف نظر و پرهیز کرد، کدام است؟

۱- پرهیز از بیان مسائل، به گونه ای که موجب زیادی شک و وسوسه شود

مانند این مسئله: «اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است.» وقتی اصل مسئله که «در غسل باید تمام بدن شسته شود.» گفته شد، دیگر گفتن آن قسمت ضرورت ندارد؛ خیلی از افرادی که وسواسی می شوند، به خاطر نوع مسئله گفتن ما مبلغان است.

۲- پرهیز از بیان استدلالات فقهی:

استدلال فقهی برای اهل فن مانعی ندارد؛ ولی برای غیر اهل فن ضرورت ندارد؛ البته همانطور که گفته شد می توانیم از آیات و روایاتی که حکم قطعی یا فضیلت و آثار حکم را بیان می کند، استفاده کنیم؛ مثل آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» که وجوب روزه را بیان می کند، و آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ لِأَيَّتِمَّةٍ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» که مصارف خمس را بیان می کند و همه فقها اتفاق دارند که مصارف خمس همینهاست. و آیات و روایاتی که فضیلت حکمی را بیان می کند؛ مثل: «الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ» و «إِن تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَعِفْهُ لَكُمْ» اینها اشکالی ندارد.

۳- پرهیز از بیان فلسفه احکام

گاهی می پرسند که چرا باید این کار را انجام دهیم؟ چرا نماز صبح دو رکعت است؟ چرا خانمها نمی توانند مرجع تقلید بشوند؟ این چراها، سؤال از حکمت و فلسفه احکام است. که اشکالی هم ندارد؛ چون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم پرسیده اند و برخی از فلسفه احکام را معصومین علیهم السلام بیان کرده اند. کتاب «علل الشرائع» تألیف شیخ صدوق روایاتی که فلسفه احکام را بیان کرده، یک جا جمع کرده است. البته برگزار کردن جلساتی جداگانه برای بیان فلسفه احکام اشکالی ندارد؛ ولی نباید در کلاس احکام به فلسفه احکام پردازیم، مگر مواردی که فلسفه حکم به طور قطعی شناخته شده و موجب تقویت اعتماد شنوندگان می شود؛ اما فلسفه بسیاری از احکام شرعی برای ما معلوم نیست.

به عنوان مثال، از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند، علت اینکه در هر رکعت از نماز دو سجده باید به جا آوریم، این است که در سجده اول سر به سجده می گذاریم، یعنی ما از خاکیم. سر از سجده برمی داریم، یعنی از خاک پدید آمده ایم. مجدداً سر به سجده می گذاریم، یعنی ما می میریم و ما را در خاک می گذارند. سر از سجده برمی داریم، یعنی مجدداً روزی برای حسابرسی مبعوث می شویم. خوب، این حکمت منصوص و قطعی است و بیان شده و می تواند میزان تعبد فرد را زیاد کند و می توان آن را در کلاس احکام بیان کرد؛ اما اگر بخواهیم فلسفه یک سری از احکام را بگوییم، ممکن است به یک جایی برسیم که توانایی اش را نداشته باشیم و از اصل هدفمان باز بمانیم. بنابراین، پیشنهاد ما آن است که در کلاس احکام سراغ فلسفه احکام نرویم، مگر مواردی که حکمت مُصَرَّح و قطعی داشته باشد و موجب تقویت اعتماد شنوندگان شود و البته بیان فلسفه کلی احکام نیز اشکال ندارد.

۴- بد آموزی نداشته باشد

خاتمه:

مطالبی که در این جزوه ذکر شد اشاره ای به سر فصلها می باشد و به این معنا نیست که این مطالب فصل الخطاب باشد و این جزوه در حال تکمیل و تصحیح است و ما منتظر پیشنهادات و انتقادات شما دوستان هستیم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مظفر برسلانی

صفر المظفر ۱۴۳۹